

نقش زنان درباری مغول در انتقال حکومت به خاندان تولوی

زهرا آفرینش حاکی^۱
رضا شعبانی^۲
عبدالحمید کلانتری^۳
غلامحسین زرگری نژاد^۴

چکیده

پس از مرگ چنگیز در سال ۶۲۴ ق/ ۱۲۲۷ م، فرزندان وی به وصیت پدر وفادار ماندند و تحت لوای اوگتای، اتحاد خویش را حفظ کردند. اما مرگ اوگتای در سال ۶۳۸ ق/ ۱۲۴۰ م، نقطه پایانی بر وحدت سیاسی بود. بزرگان مغول، برخلاف وصیت چنگیز و تعهدشان مبنی بر موروثی شدن منصب خان بزرگ در خاندان اوگتای قآن، حکمرانی را به شاخه دیگر منتقل کردند. آن چه در این انتقال قدرت اهمیت دارد، نقش برجسته زنان در پدید آمدن این رویداد سیاسی است. پژوهش حاضر، سعی دارد با تحلیل داده‌های تاریخی که به شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است، ضمن بررسی نقش زنان در ساختار سیاسی، اثرگذاری آنان در جایجایی قدرت به خاندان تولوی را که پرسش اصلی این نوشتار می‌باشد را مورد واکاوی قرار دهد. یافته‌های پژوهش حاکی است که عملکرد ناموفق زنانی مانند توراکینا خاتون و اغول قمیش که قدرت را به اعتبار یاسای چنگیزی به دست آوردند و از سوی دیگر توانایی و مهارت سیاسی سُیورقیتنی، همسر تولوی و مادر منکوقآن در درک شرایط سیاسی، بهره‌گیری از ابزار نفوذ و سیاستگذاری‌های هوشمندانه عاملی موثر در به قدرت رسیدن خاندان تولوی بود.

کلیدواژه‌ها: مغول، زنان، حکومت، اوگتای قآن، تولوی.

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. afarineshzahra@gmail.com
^۲ گروه تاریخ ایران اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) m4.rezaahabani@gmail.com
^۳ گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. abkalantari@ut.ac.ir
^۴ گروه تاریخ ایران اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. zargari53@gmail.com

مقدمه

زنان مغول در مقایسه با سرزمین‌های متمدنی مانند ایران و چین که بعدها تحت سلطه آنها قرار گرفتند، از موقعیت اجتماعی مستحکمی برخوردار بودند و مشارکت آنان در امور مختلف امری پذیرفته شده بود (1 Paragraph: historyonthenet, 2001). مشورت با زنان در امور مهم در میان مردان مغول امری متداول بود (2 Paragraph: uakron.edu, 2001) هم‌چنین آنان در غیاب همسران‌شان هنگام جنگ، اداره امور قبیله را به عهده می‌گرفتند (2 Paragraph: Reese, 2019). کهن‌ترین منبع نوشتاری مطالعات دوره مغول، کتاب *تاریخ سری مغول*، اثر یوان چایوپی‌شه که تصویری دقیق از شیوه زندگی مغولان بیابانگرد و اندیشه و باورهای آنان در قرن سیزدهم میلادی ارائه می‌دهد، نشانگر مقام زن در جامعه مغولی است (چایوپی‌شه، ۱۳۸۳: ۳۷-۳۵-۲۳).

هنگامی که چنگیز پای در مسیر قدرت گذارد، زنان منتسب به وی نقشی مهم در قدرت‌یابی او ایفا کردند. اولون‌ایکه مادر چنگیز، پس از مرگ همسرش با اداره قبیله و لشکریان، مانع از هم‌پاشیدگی قبیله شد. وی زمانی که فرزندش چنگیز را مستعد رهبری دید، قبیله را به او سپرد. پس از قدرت‌یابی چنگیز، مشارکت اولون‌ایکه در امور حکومتی آن‌چنان بود که خواجه رشیدالدین می‌نویسد: «بواسطه سعی مادر، او را کارهای بزرگ دست داد» (همدانی، ۱۳۷۳: ۵۶۰/۱).

چنگیز پیش از مرگ، بر پایه سنت قبیله‌ای قلمرو پهناور مغول را میان فرزندان و سردارانش تقسیم کرد. با آن‌که فرزندان وی، تلاش کردند تا تحت لوای یک خان اتحاد خویش را حفظ کنند، اما وسوسه دستیابی به قدرت، آنها را وارد عرصه رقابت کرد و منازعات قدرت آشکار شد. قوانین عرفی مغول به‌همراه قدرت‌طلبی، توانایی و مهارت زنان در بهره‌گیری از ابزار نفوذ، زمینه حضور خاتونان مغول در منصب نیابت سلطنت را فراهم کرد و زنان ساکن‌دار اصلی جامعه سیاسی شدند. رفتارهای سیاسی زنان در این برهه از تاریخ مغول، برای دستیابی قدرت و حفظ آن، سرانجام مناسبات میان چهار اولوس^۱ را تغییر داد و فرزندان و نوادگان چنگیز در مقابل یکدیگر قرار گرفتند. در نتیجه این تحولات، رهبری مغولان که بنا بر وصیت چنگیز، بر عهده خاندان اوکتای نهاده شده بود به جانشینان تولوی منتقل گردید (همان، ۱۳۷۱: ۶۶۴/۱). پژوهش حاضر، سعی دارد با تحلیل مستندات تاریخی

^۱ اولوس یا الوس به معنی مجموع تابعان یک فرمانروا، ائتلافی از قبایل گوناگون. در زبان مغولی، نخست به امپراتوری بزرگ چنگیزخان و سپس به مردم و سرزمین‌هایی که به چهار پسر او داده شد، اطلاق گردید (همدانی، ۱۳۷۱: ۲۲۹۷/۴).

ضمن بررسی و واکاوی نقش زنان در ساختار حکومتی مغول به این پرسش پاسخ دهد: زنان در انتقال قدرت حکمرانی از خاندان اوکتای قاآن به خاندان تولوی چه نقشی داشته‌اند؟ فرضیه‌ای که در رابطه با این پرسش مطرح می‌شود این است که توانمندی سیورقیتنی همسر تولوی در درک شرایط سیاسی و رفتارهای سیاسی هوشمندانه وی نقش مهمی در قدرت‌یابی خاندان تولوی داشته است.

در بررسی پیشینه این پژوهش باید گفت دیدگاه ویژه مغولان نسبت به زنان، توجه بسیاری از پژوهشگران را به این حوزه جلب کرده است، الهام ملک‌زاده در مقاله «وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در دوره مغول و ایلخانی»، ضمن بررسی مشارکت خاتون‌های مغول در سلطنت، شرح مختصری پیرامون زندگی برخی از زنان مغول ارائه داده است که در این میان به توراکیناخاتون نیز اشاره شده است. یدالله حیدری در مقاله «بررسی و مطالعه زنان و خاتون‌ها در عصر مغول با استناد به شواهد تاریخی و داده‌های باستانشناسی»، با بهره‌گیری از منابع مکتوب تاریخی و مدارک باستانشناسی جایگاه برجسته زنان دوره مغول را مورد واکاوی قرار داده است. احمد فروغ‌بخش نیز در مقاله «نقش اداری و حکومتی خاتون‌های مغول»، تاثیرگذاری زنان در امور سیاسی را در حکومت مغول و حکومت‌های محلی به طور کلی بررسی کرده است. چند نمونه فوق، تنها بخشی از تحقیقات کار شده در حوزه زنان دوره مغول می‌باشد که حاوی یافته‌های ارزشمندی است. اما در میان این آثار، پژوهشی که به طور مستقل و منسجم به نقش زنان در انتقال قدرت سیاسی حکمرانی مغول پرداخته باشد، دیده نشد. این نوشتار ضمن بررسی رفتارهای سیاسی زنان به نقش آنان در انتقال قدرت می‌پردازد، که از این لحاظ با سایر پژوهش‌ها متفاوت می‌باشد.

۱. ورود زنان به عرصه سیاست در دوره حکمرانی مغول

به فاصله یک نسل پس از چنگیز، روند قدرت‌یابی زنان در امور سیاسی به شیوه‌ای فزاینده سرعت یافت. زنان با استفاه از شرایط موجود، در راس نظام سیاسی جای گرفتند و بر بزرگترین امرا و بزرگان مغولی فرمان رانده و آنها را به پذیرش سلطه خود واداشتند. در سال ۶۲۶ق/۱۲۲۹م، قوریلتای سلطنتی تشکیل شد و بر اساس وصیت چنگیز مقام خانی به اوکتای قاآن رسید و دیگر پسران چنگیزخان با توجه به خواست پدر، با اوکتای قاآن عهد و پیمان بستند (جوینی، ۱۳۸۵: ۲۴۷). خان جدید که به تازگی از فتح ممالک ختای بازگشته بود، پس از نشست بر تخت، تمام اولاد و نزدیکان و امرا را جمع کرد. وی با خواندن احکام یاسا نشان داد که به قوانین پدر، هم چنان وفادار خواهد ماند و به

همان سبک و سیاق پیشین به اداره امور می‌پردازد (همدانی، ۱۳۷۳: ۶۶۴/۱). توراچین، توراکینا، موکاخاتون و حاجین، چهارخاتون اُوگتای قآن بودند (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴۸/۳). توراکینا خاتون همسر بزرگ وی به دلیل آن که مادر پسران^۱ بوده، نسبت به دیگر خاتون های دربار برتری داشت (بناکتی، ۱۳۴۸: ۳۸۲). اُوگتای در زمان حیاتش، کوجو را به عنوان ولیعهد خویش برگزید. به دلیل آنکه وی در زمان حیات قآن از دنیا رفت، شیرامون، پسر کوجو به عنوان ولیعهد جایگزین پدر شد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۵۵/۳).

مرگ اُوگتای قآن در سال ۱۲۴۰م پایانی بر وحدت سیاسی بود (جوینی، ۱۳۸۵: ۲۸۸). بزرگان مغول برای اشغال تخت خانی یا اعمال نظر در گزینش خان جدید به رقابت در قوربلیتای پرداختند. در این هرج و مرج، دو همسر اُوگتای قآن نیز هر یک مدعی قدرت و علاقمند به مشارکت فعال در عرصه سیاسی بودند. در یک سو، توراکیناخاتون مدعی جانشینی فرزندش بود و در سوی دیگر، موکاخاتون همسر محبوب اُوگتای قآن قرار داشت (همان، ۲۷۳). هر یک از این دو خاتون تلاش کردند که به روش‌های گوناگون بزرگان مغول را متقاعد به حمایت از خود سازند تا سلطنت را از آن خود کنند.

۲. راهبرد موکاخاتون برای تصاحب حکومت

نخستین اولویت موکاخاتون جهت حفظ جایگاه خود در دربار مغول، جلب نیروهای حمایتی بود. موکاخاتون که از اُوگتای قآن صاحب فرزندی نبود، برای تحکیم موقعیت خویش، در مقابل رقیب قدرتمندش توراکیناخاتون مادر پسران اُوگتای قآن، نیازمند حمایت درباریان بود. وی توانست با بذل هدایای فراوان به بزرگان و امرا درباری، متابعت آنان را بدست‌آورد (همان، ۲۹۰). وی هم‌چنین مهم‌ترین شخصیت دربار اُوگتای قآن، یعنی جینقای وزیر را نیز با خود همراه ساخت (اشپولر، ۱۳۸۶: ۴۳). بذل و بخشش‌های موکاخاتون تنها شامل حال بزرگان نمی‌شد. وی به تبعیت از همسر خود که سخاوتمندترین عضو خاندان چنگیز بود (وصاف، ۱۳۳۸: ۲۶۶)، به مشکلات مردم نیازمند رسیدگی می‌کرد. جوینی درباره رفتار و بذل و بخشش‌های وی میان مستمندان، داستان‌هایی روایت کرده است (جوینی، ۱۳۸۵: ۲۷۲).

^۱ اُوگتای قآن صاحب هفت پسر به نام‌های کوجو، کوتان، کُیوک، قراجار و قاشی از توراکیناخاتون بود.

موکاخاتون به اتکاء حمایت بزرگان دربار، بلافاصله پس از مرگ اُوگتای قآن فرصت را مغتنم شمرد و کنترل امور مملکتی را بدست گرفت (همان، ۲۸۹). ظواهر امر حاکی از این مسئله بود که شانس موفقیت موکاخاتون، در کسب قدرت کمتر از توراکیناخاتون نبود. برونو نیکولا در کتابش می- نویسد اگر چگونگی رابطه با اُوگتای قآن یکی از شرایط انتخاب جانشینی پس از مرگ وی بود، موکاخاتون به دلیل رابطه احساسی خوبی که با اُوگتای قآن داشت، یکی از گزینه‌های ایده‌آل بود (Bruno, 2017: 67). هرچند بخت با توراکیناخاتون یار بود و مدت کوتاهی پس از مرگ قآن، موکاخاتون نیز از دنیا رفت (همدانی، ۱۳۷۳: ۷۹۹/۲). با مرگ وی، یکی از رقبای مدعی کنار زده شد. توراکیناخاتون، تلاش کرد با استفاده از شرایط و با اتکا به حق مشروع خویش به عنوان مادر فرزندان ذکور، از تمام توان خود برای به قدرت رساندن فرزندش گُیوک ۴۳/عق-۱۲۴۵م-۴۴/عق / ۱۲۴۶م بهره ببرد.

۳. راهبرد توراکینا برای کسب قدرت سیاسی

با استناد به برخی از متون چینی تائوئیسم^۱ توراکیناخاتون در زمان حیات اُوگتای قآن در امور حکومتی نقشی موثر داشته است. در فرامینی که توسط توراکیناخاتون، در ۱۰ آوریل ۱۲۴۰م صادر شده است، از وی به عنوان «یکه خاتون»، امپراتور بزرگ نام برده شده است که نشان می‌دهد توراکینا مدیریت بخشی از امور کشوری را در اختیار داشته است (Weatherford, 2005: paragraph 5). اگر چه طبق گفته جوینی، توراکیناخاتون به دلیل آن که مادر پسران خان و گُیوک به عنوان فرزند بزرگتر اُوگتای بود «استحقاق خانیت» را داشتند (جوینی، ۱۳۸۵: ۲۹۰). اما راه رسیدن گُیوک به تخت سلطنتی مغول آسان نبود. عدم تمایل اُوگتای قآن در انتخاب گُیوک به عنوان ولیعهدی و حمایت دربار از موکاخاتون پس از مرگ اُوگتای قآن (جوینی، ۱۳۸۵: ۲۹۰)، نشان می‌دهد که شرایط در دربار اُوگتای قآن به نفع توراکیناخاتون و پسرش نبود.

رقبای گُیوک که مدعیان جانشینی بودند، تقریباً از منابع قدرت یکسانی هم چون وابستگی نزدیک به خاندان چنگیز برخوردار بودند. باتو (مرگ ۱۲۵۵م) فرزند جوچی و نواده چنگیز، پادشاه خانان روسیه و دشت قبیچاق بود. وی اگر چه مستقیماً خواهان به دست گرفتن حکمرانی نبود، اما با اداره قلمرو مغول توسط الوس اُوگتای قآن مخالف بود (یزدی، ۱۳۸۷: ۱/۱۷۵). کوتان پسر دوم اُوگتای قآن، مدعی وراثت پدر بود. گروهی از سران وفادار مغول به منظور اجرای وصیت اُوگتای قآن، خواهان

^۱ . تائوئیسم (Taoism)، دین متداول چین، و آن ترکیبی است از پرستش طبیعت (نیاکان) و عقاید لائوتسه نو و خرافات مختلف.

قدرت‌گیری ولیعهد شیرامون، نوۀ صغیر او بودند (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۴: ۱۵۲). اوتچکین برادر چنگیز نیز دیگر مدعی قدرت بود.

در حالی که نزاع نهفته میان اولوس‌های مدعی قدرت می‌توانست به بحران جانشینی تبدیل شود، توراکینا‌خاتون، برآن شد تا با اقداماتی هوشمندانه اوضاع را به نفع خویش تغییردهد و تا تشکیل قوریلتای بعدی با برقراری آرامش، قدرت را حفظ کند. به‌همین دلیل، استفاده از روش‌هایی هم چون تطمیع و در صورت نیاز استفاده از ضمانت‌های اجرایی منفی مانند سرکوب و مجازات با هدف متقاعد کردن بزرگان مغول و کسب موافقت آنان در تأیید سلطنت خویش را، در راس برنامه‌های اجرایی خود قرار داد.

۳-۱. تطمیع بزرگان مغول

پس از مرگ اُوگتای‌قآن و موکاخاتون، توراکینا‌خاتون بدون آنکه منتظر تصمیم‌گیری بزرگان و شاهزادگان باقی‌مانده، بنا به سنت مغول سلطنت را قبضه کرد (همان، ۲۶۴). اما برای حفظ قدرت نیاز به همراهی بزرگان و امرا داشت. او با هدف جلب نظر بزرگان اولوس‌های چهارگانه، ایلچینانی به همراه هدایا و پیشکش‌هایی به سوی شاهزادگان، برادران و برادرزادگان اُوگتای‌قآن فرستاد (بناکتی، ۱۳۴۸: ۳۹۱) و آنها را متقاعد کرد که تا تشکیل قوریلتای، اداره امور در اختیار او باشد تا «کار ملک مهممل نشود و امور جمهور مختل نگردد و جانب حشم و لشکر مضبوط ماند و مصالح رعایا محفوظ» بماند (جوینی، ۱۳۸۵: ۲۹۰-۲۸۹). بزرگان مغول پای‌بند به سنن قبیله‌ای و یاسای چنگیز که تشکیل قوریلتای سلطنتی را ضروری می‌دانستند، با این درخواست موافقت کردند زیرا، تا تشکیل جلسه سلطنتی هیچ اقدامی نمی‌توانستند انجام دهند (همان). اینگونه بود که توراکینا بدون هیچ کشمکش، «تمامت را در تحت فرمان آورد» (بناکتی، ۱۳۴۸: ۳۹۱).

تأیید نیابت توراکینا‌خاتون از سوی سران مغول لازم بود، اما کافی نبود. وی می‌بایست توانمندی خویش برای اداره قلمرو مغول را اثبات کند. پس در ابتدای حکمرانی، بدون ایجاد تغییر در ساختار اداری، امور را به دولتمردان پیشین مانند جینقای وزیر بزرگ اُوگتای‌قآن و دیگر نواب و وزاری قآن نهاد (همان). اما حضور مخالفان حکمرانی گُیوک در ساختار اداری و سیاسی در درازمدت عاقلانه به نظر نمی‌رسید. پس اقدام بعدی وی پس از تثبیت قدرت، تصفیه ساختار سیاسی و اداری بود.

۲-۳. حذف مخالفان از ساختار سیاسی

توراکینا برای گسترش حوزه قدرت خویش تصمیم گرفت به تدریج مخالفان را از سیستم اداری و سیاسی کنار گذارد. او که برای همراه کردن وابستگان خاندان چنگیز از حربه تطمیع استفاده کرده بود، در مورد کارگزاران داخلی قاطعیت بیشتری به خرج داد و بدون توجه به جایگاه و مقام افراد، تمام آنهایی که از جانشینی گُیوک حمایت نکرده بودند را عزل یا زندانی کرد (بناکتی، ۱۳۴۸: ۱۲۹). وی بزرگترین مخالف خود یعنی امیر جینقای، را از مقامش عزل کرد سپس فرستادگانی برای دستگیری محمود یلواج، حاکم ختای اعزام کرد (همان). اما این فرمان با پناهنده شدن جینقای و یلواج به کوتان (پسر دوم اُوگتای قآن) عملی نشد (همدانی، ۱۳۷۳: ۸۰۲/۲). در پی این اقدامات، مسعودیگ فرزند یلواج و حاکم ترکستان و ماوراءالنهر به اردوی باتو پناهنده شد. وی همچنین کرگوز، امیرخراسان را نیز دستگیر کرد (جوینی، ۱۳۸۵: ۱۳۴/۲).

۳-۳. ترندهای سیاسی در مقابله با مخالفان

بعد از پناهندگی یلواج و جینقای به کوتان، توراکینا خاتون شیوه خویش را تغییر داد. وی با استفاده از روش‌های سیاسی، مانع ایجاد ائتلاف میان مدعیان قدرت و مخالفان حکمرانی خود شد. توراکینا این بار برای بازگرداندن پناهندگان، از راه مسالمت‌آمیز وارد شد و با فرستادن ایلچسانی به نزد کوتان خواهان استرداد آنها شد. اما کوتان این کار را برخلاف جوانمردی دانست و از انجام این خواسته سرباز زد. تلاش‌های چندباره توراکینا برای رضایت کوتان بی‌فایده بود. کوتان از مادرش خواست که رسیدگی به جرایم آنها را در قوریلتایی که بزودی تشکیل می‌شود، واگذارد. توراکینا خاتون که دست بردار نبود، تزویری اندیشید و از امیر عمادالملک محمد ختنی که از ارکان دولت اُوگتای قآن بود، خواست که شواهدی فراهم سازد تا بتواند آنها را در قوریلتایی به دام اندازد و به محاکمه کشاند. این اقدام توراکینا خاتون نیز نتیجه‌ای در بر نداشت (جوینی، ۱۳۸۵: ۲۰۳/۱). توراکینا خاتون در اقدامی دیگر با فرستادن نمایندگانی به نزد برادر چنگیز از بروز منازعات خانوادگی که حکومت گُیوک را به خطر می‌انداخت، جلوگیری کرد.

در شرایطی که همه چیز برای به تخت نشستن گُیوک فراهم گشته بود، آخرین تلاش برای گرفتن قدرت به وسیله برادر چنگیز، اوتچکین نویان صورت پذیرفت. اوتچکین با سپاهیان عازم اردوی اُوگتای قآن شد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۵۶/۳). این اقدام سبب آشفتگی در لشکریان و اردوی اُوگتای قآن گردید. شم سیاسی توراکینا خاتون، وی را از هرگونه برخوردی که سبب نابسامانی در

اردوی مغول شود، برحذر داشت. وی که برای برپایی قوریلتایی باشکوه، تمام تلاشش را کرده بود. تا تحقق خواسته‌اش یعنی به قدرت رساندن فرزندش از طریق قوریلتای سلطنتی مدت زمان اندکی مانده بود و یک تصمیم نادرست می‌توانست به ضرر وی تمام شود. زیرا، استفاده از ابزارهای منفی برای خاموش کردن این قیام تنها وی را در برابر خاندان چنگیز قرار می‌داد و زمینه را برای شورش دیگر مخالفان فراهم می‌کرد. پس ایلچی‌ای به همراه پسر اوتچگین و برخی دیگر از اقوام وی که ملازم بندگی اُوگتای بودند، به نزد اوتچکین‌نویان فرستاد و وی را تکریم کرد که «ما کلینان^۱ تویم و به تو مستظهر، با لشکر و ساز و عدت آمدن چه وجه دارد، چه تمامت اولوس و لشکر مضطرب گشته‌اند». اوتچگین نویان در مقابل این رفتار صلح جویانه عملاً خلع سلاح شد، چاره‌ای جز تسلیم ندید و از کرده خود نامد شد. بدین ترتیب مسئله‌ای که می‌رفت به طغیانی بزرگ تبدیل شود، با زیرکی توراکینا به روشی نرم ختم به خیر شد (همدانی، ۱۳۷۳: ۸۰۲/۲).

۳-۴. نمایش قدرت سیاسی

مقاومت مخالفان با سلطنت گیوک از طریق به تعویق انداختن قوریلتای، توراکینا خاتون را در برپایی قوریلتایی بزرگ، برای رسمیت بخشیدن به حکمرانی فرزندش مصمم ساخت. پس از بازگشت گیوک به اردو، وی هم‌چنان خود اداره امور را بر عهده داشت (جوینی، ۱۳۸۵: ۲۰۳/۱). توراکینا خاتون، رسولانی به چهارسوی قلمرو مغول گسیل داشت و سلاطین، امرا و بزرگان را به مجمع سلطنتی دعوت کرد (همان، ۱۳۱/۱). در سال ۶۴۴ق/ ۱۲۴۶م قوریلتایی بزرگ برپا تشکیل شد. جوینی در توصیف گستردگی قوریلتای می‌نویسد:

«سلاطین، ملوک، شاهزادگان، نوینان و بزرگان از ملت‌های گوناگون ... به محل برپایی قوریلتای آمدند... چشم آدمیزاد از ترتیب ایشان خیره بود... چنین جمعیتی کس مشاهده نکرده بود و در تواریخ نیز مثل آن مطالعت نیفتاده مجتمع شد و از کثرت خلایق بیابان فراخ تنگ شد...» (همان، ۲۰۶/۱).

این اجتماع عظیم را می‌توان نمایشی از قدرت توراکینا خاتون و هشدار وی به مخالفان گیوک تلقی کرد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۵۵/۳)، که به همراه تدابیر وی در جلب حمایت سران مغول، در طول چهار سال نیابت سلطنت وی از ۶۳۹ق/ ۱۲۴۱م تا ۶۴۳ق/ ۱۲۴۵م منجر به قدرت‌یابی گیوک شد.

^۱ «کلینان» در ترکی به معنای عروس می‌باشد (اصفهانی، ۱۳۹۰: ۱۸۷).

موافقان و مخالفان گیوک در این جلسه با این استدلال که ولیعهد منتخب خان بزرگ سن قانونی برای دست گرفتن امور را ندارد، به خانی گیوک رای مثبت دادند. گیوک نیز با این شرط که سلطنت در خاندان وی موروثی بماند، بر تخت خانی نشست (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۳۸۹۵/۶).

۴. اغول قیمیش^۱ دومین حکمران زن در قلمرو مغول

در حالی که از مدت پادشاهی گیوک یک سال بیشتر نمی گذشت، هنگام عزیمت به ولایات غربی حدود سمرقند، درگذشت (جوینی، ۱۳۸۵: ۲۱۶/۱). سیر حوادث پس از مرگ گیوک، شرایط فرمانروایی خاتون مغولی دیگری را فراهم ساخت. به توصیه باتو، اقول قیمیش به همراه جینقای و سایر ارکان دولت اداره مصالح مملکت را در اختیار گرفت (جوینی، ۱۳۸۵: ۲۱۷ و همدانی، ۱۳۷۳: ۸۱۰/۲). هر چند وی نه از جهت مقام و نه از جهات دیگر نتوانست با توراکیناخاتون برابری کند (ساندرز، ۱۳۶۱: ۱۰۰). به گفته جوینی، اغول قیمیش اغلب اوقاتش را با ساحران دربار به خرافات می گذراند (جوینی، ۱۳۸۵: ۲۱۹). در هنگام حکمرانی وی، هیئتی از سوی لویی پادشاه فرانسه به دربار آمدند. واکنش اغول قیمیش با این هیئت، کاملاً نخوت آمیز بود. وی هدایای پادشاه فرانسه را خراج تلقی کرد و به فرانسویان پیغام داد که اگر می خواهند از غلبه مغول در امان بمانند و کشورشان با خاک یکسان نشود به نحو خاضعانه ای تسلیم شوند (ساندرز، ۱۳۶۱: ۱۰۰).

بی کفایتی اغول قیمیش و مداخله پسران وی خواجه و ناقو در امور حکومتی (جوینی، ۱۳۸۵: ۲۱۹)، که در واقع سه منبع تصمیم گیری متفاوت در راس ساختار حکومتی بودند، پیامدهای منفی به دنبال داشت. بواسطه اختلاف نظر میان مادر و فرزندان، شاهزادگان دیگر نیز هر یک به میل خود فرامینی صادر کردند. اوضاع به گونه ای مختل شد که حتی تدابیر جینقای وزیر نیز برای حل اختلاف میان آنان کارساز نبود (همدانی، ۱۳۷۳: ۸۱۰/۲ و جوینی، ۱۳۸۵: ۲۱۹).

اگر چه مرگ گیوک مانع از بروز منازعه آشکار میان دو اولوس اوگتای و جوچی شد، اما اختلافات همچنان ادامه داشت. عملکرد بد بازماندگان گیوک، پایانی بر جانشینی موروثی آنان بود و سران مغول را متقاعد کرد که برخلاف تعهدشان در قوریلتای جانشینی گیوک، قدرت باید به شاخه ای دیگر از فرزندان چنگیز واگذار گردد. در قوریلتای جدید که به دستور باتو و با هدف انتقال قدرت برپا شد، منکو

^۱ Oghul Qaimish

نام وی در منابع به صورت سرقویتی بیکی، سرقوتی، سرقویتی، سرقویتی و سیورقویتی نوشته شده است.

فرزند تولوی به عنوان خان جدید قدرت را آن خود کرد. اما نقش سُیورقیتنی بیگی همسر تولوی، در این جابجایی قدرت چه بود؟

۵. سُیورقیتنی زنی قدرتمند در پشت صحنه قدرت سیاسی مغول

یکی از متنقدترین و محبوب‌ترین زنان در میان خواتین مغول که نقش غیرقابل انکار در انتقال قدرت به اولوس تولوی داشت، سُیورقیتنی بیگی، برادر زاده اُنگ خان آخرین پادشاه کرائیت بود که تمامی مورخان وی را به خاطر عقل و درایتش ستوده‌اند. این خاتون، پس از باتو که مسن‌ترین شاهزاده مغول بود، در میان سران مغول احترام ویژه‌ای داشت. جوینی وی را «حاکم‌ترین» فرد، میان شرکت‌کنندگان قوریلتای انتخاب گُیوک می‌داند (جوینی، ۱۳۸۵: ۱/۱۳۷). وی پس از مرگ تولوی در سال ۱۲۳۰/۶۳۰م اداره اولوس تولوی را در اختیار گرفت. تدابیر و کیاست وی در مواجهه با رویدادهای مهم سیاسی، اولوس تولوی را الگو و سرمشق سایر مغولان قرار داد و آنها را به عنوان بهترین گزینه برای دستیابی قدرت از خاندان اوگتای‌قآن مطرح کرد.

انتخاب اُگتای‌قآن، در قوریلتای سال ۱۲۲۶/۶۲۶م جنبه تشریفاتی داشت. زیرا چنگیز مدتی پیش از مرگ خود، تمایل خود را به جانشینی سومین فرزندش اعلام کرده بود (ساندرز، ۱۳۶۱: ۷۶). گُیوک فرزند اُگتای نیز سلطنت را از راه وارثت از آن خود کرد. اما انتخاب مُنکوقآن از اولوسی غیر از اولوس اُگتای، تحول عمده سیاسی در تاریخ مغول محسوب می‌شد که بدون تردید این تغییر در نتیجه اقدامات هوشمندانه همسر تولوی ایجاد شد. خواجه رشیدالدین معتقد است که در رقابت میان فرزندان سُیورقیتنی و پسرعموهایشان، آنچه سبب برتری آنها شد، عقل و کفایت سُیورقیتنی بیگی بود. به باور وی، این زن بواسطه سیاست‌های مدبرانه راه پادشاهی را برای فرزندان خویش هموار کرد (همدانی، ۱۳۷۳: ۱/۵۶۱).

رفتارهای سیاسی سُیورقیتنی در مواجهه با مسایل مختلف سیاسی، وفاداری بدون قید وی به خان بزرگ در کنار راهکارهای محافظه‌کارانه وی در رویارویی با بزرگان مغول با تدابیری هم‌چون ارائه تصویری مطلوب از خویش و فرزندانش، حفظ مناسبات دوستانه با سایر اولوس‌ها، جلب پایگاه‌های حمایتی و از جمله عواملی بودند که زمینه‌ساز این تحول سیاسی شدند. این اقدام زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که درمی‌یابیم سُیورقیتنی این کار را بدون مداخله مستقیم خود یا فرزندانش و به‌دور از هرگونه رفتارهای تفرقه‌آمیز و ایجاد منازعات قبیله‌ای، از طریق متنقدترین و شناخته‌شده‌ترین فرد خاندان چنگیز باتو، انجام می‌دهد.

۵-۱. ارائه تصویری مطلوب از خاندان تولوی

یکی از راهکارهای موثر سیورقیتنی در جلب حمایت بزرگان مغول، بالا بردن میزان مقبولیت عمومی خاندان تولوی بود. وی تلاش کرد با رفتارهای منطقی و عقلانی، در چارچوب رعایت قانون، حفظ ارزش‌های سنتی و رعایت اصول اخلاقی تصویری مناسب از خود و فرزندانش خلق کند. این تدابیر تا حدود زیادی وی را از سایر زنان هم‌دوره خویش متمایز کرد. علاوه بر آن سبب حفظ اعتبار خاندان تولوی شد و در درازمدت مسیر رسیدن به قدرت را برای آنها هموار ساخت. وی برای حفظ وجهه خویش و از هم نپاشیدن اولوس تولوی پس از مرگ همسرش، در مقابل درخواست اُوگتای‌قآن مبنی بر ازدواج وی با گُیوک ایستادگی کرد (همان). اما از آنجا که این مخالفت به شیوه‌ای محترمانه انجام گرفت، نه تنها سبب دلخوری اُوگتای‌قآن نشد که بر احترام سیورقوتنی نزد سایر مغولان نیز افزود. هنگامی که اُوگتای‌قآن بر آن شد که پس از مرگ تولوی، به سنت مغولی سیورقیتنی را به ازدواج فرزندش گُیوک در آورد، ایلچی‌ای به همراه یرلیغی نزد این خاتون فرستاد و در آن خواسته خویش را مطرح ساخت. سیورقیتنی با جوابی محترمانه و با زیرکی از این کار شانه خالی کرد. وی در پاسخ به این درخواست اُوگتای‌قآن نوشت:

« حکم یرلیغ چگونه دگرگون توان کرد. لکن اندیشه من چنانست که فرزندان را تربیت کرده، به حد مردی و استقلال رسانم و سعی کنم تا مودب شوند و از همدیگر جدا و متفر نشوند» (همان).

به گفته خواجه رشیدالدین، عدم موافقت سیورقیتنی با ازدواج مجدد، سبب شد که وی نزد مغولان به جایگاهی برتر از مادر چنگیز «اُولون‌ایکه» که پس از مرگ همسرش ازدواج کرده بود، دست یابد (همان). سیورقوتنی هم‌چنین با امتناع از ازدواج با خاندان سلطنتی، علاوه بر تحکیم موقعیت اولوس تولوی، استقلال رای خویش را در برابر اُوگتای‌قآن نشان داد. این خاتون دوران‌دیش پس از آن، به تربیت فرزندانش همت گماشت و آنان را برای تصدی امور مدیریتی آماده ساخت. به‌طور مثال او با درک آن چه قویلی‌ای برای حاکمیت بر چین لازم داشت، وی را با مفاهیم کنفوسیوس آشنا کرد (Reese, 2019: Paragraph 6).

اقدامات بعدی سیورقیتنی نیز در راستای جلب اعتماد سیاسی دیگر اولوس‌ها و نشان‌دادن توانمندی فرزندان تولوی در اداره قلمرو مغول بود. وی به خوبی به این مسئله واقف بود که در فضای نامطمئن و عاری از اعتماد هر گونه عملی نتیجه عکس دارد. پس به منظور افزایش اعتماد صاحب

منصبان قلمرو مغول به اولوس تولوی، پایبندی به قانون یاسا و متابعت از احکام خان بزرگ مغول را سرلوحه برنامه‌های سیاسی خویش قرار داد.

۵-۲. جلب اعتماد سیاسی خان بزرگ

حفظ مناسبات دوستانه و ایجاد روابط مبتنی بر اعتماد و همکاری با اولوس حکومتی ضروری بود. به روشنی می‌توان دریافت که خصومت با خان بزرگ، سیورقیتنی را از هدف اصلی که کسب تدریجی قدرت بود، باز می‌داشت. وی در نخستین اقدام، به تقویت روابط حسنه خویش با اولوس اُوگتای‌قآن همت گماشت.

تولوی، در زمان حیات خویش، با برادران و نزدیکان خویش روابطی صمیمی داشت. وی اکثر مواقع ملازم اُوگتای‌قآن بود (همدانی، ۱۳۷۳: ۷۸۸/۲). وفاداری و علاقه وی به برادر، چنان بود که در زمان بیماری اُوگتای‌قآن، بیماری وی را به جان خرید. بنا بر همین باور مغولی، پس از مدتی نیز اُوگتای‌قآن شفایافت و تولوی از بیماری مرد. پس از مرگ تولوی، همسرش سیورقوتنی که به قول خواجه رشیدالدین «عاقله جهان» بود (همان، ۴۱۴/۱)، تلاش کرد تا روابط حسنه خود را هم چنان با خانواده سلطنتی حفظ کند. سیورقوتنی که به شدت به اعتبار و احترام خود و پسرانش در میان سایر بزرگان مغول اهمیت می‌داد، هدفش سرکشی در برابر اُوگتای‌قآن نبود. او می‌دانست برای تامین امنیت خانواده و اولوس خود بهترین راه، پرهیز از ایجاد هرگونه تنش میان فرزندان خویش و خان بزرگ مغول است. وی تلاش کرد که از بروز هرگونه رویدادی که آنها را در مقابل اُوگتای‌قآن قرار می‌داد، ممانعت به عمل آورد. حتی اگر این کار در ظاهر به معنی گذشتن از حقوق حقه خاندان تولوی بود. هنگامی که اُوگتای‌قآن در تدارک تشکیل سپاهی برای فرزندش کوتان بود، اُوگتای‌قآن به راحتی بخشی از لشکری را که چنگیزخان به اولوس تولوی بخشیده بود را و به پسرش کوتان واگذار کرد. این اقدام موجب اعتراض منگو و دیگر پسران سیورقوتنی شد، اما سیورقوتنی که اهداف بلندمدتی برای خانواده‌اش متصور بود، با این استدلال که «ما را از انواع اندوخته‌ها چه چیز کم است تا این مضایقه کنیم. ما نیز از آن چنگیزخانیم و او حاکم ماست. هر آنچه صواب داند فرماید» (همان)، مانع بروز اختلاف و اعتراض امرا و فرزندان با مرکز امپراتوری شد. سیورقوتنی که با تبعیت کامل از خان بزرگ، توانسته بود اعتماد اُوگتای‌قآن را جلب کند، این سیاست را ادامه داد.

در بحران جانشینی اُوگتای‌قآن، وی از توراکی‌ناخاتون حمایت کرد. او در دوره حکمرانی توراکی‌ناخاتون و در دوره حکومت گیوک نقش حمایتی خویش را حفظ کرد. حتی پس از مرگ گیوک

هنگامی که همسر وی عهده دار امور شد، از او دلجویی کرد. به هنگام بروز اختلاف میان پسران گُیوک و مادرشان، سُبُورقُیتنی در نقش ناصح مشفق، پسران را از مداخله در امور قلمرو منع کرد (همان، ۵۷۱/۱). وی به این امر واقف بود که اولوس اُگتای از حق مشروعیت جانشینی برخوردارند، از این رو مخالفت با قآن جدید به تنهایی و بدون حمایت روسای سایر اولوس‌ها عاقلانه نیست، چرا که در صورت شکست، نه تنها وجهه خود را خدشه‌دار می‌کند بلکه به عنوان عامل بی‌ثباتی در نظام سیاسی نیز شناخته می‌شد. از این رو، یگانه راه رسیدن به قدرت، بردباری سیاسی و حفظ روابط با اردوی خان حاکم بود.

۵-۳. پایبندی به قوانین مغولی

تبعیت بی چون و چرا از قانون، یکی از اثرگذارترین روش‌های اثبات حس مسئولیت پذیری خاندان تولوی در اداره امور حکومتی بود. هنگامی توراکیناختون اداره امور را بدست گرفت، مطابق روال حکمرانان سابق، به ارزیابی عملکرد حکام و روسا پرداخت. در هنگام حسابرسی، دریافت که تنها کسانی که «سرمویی از یاسا» تخلف نکرده اند، سُبُورقُیتنی و فرزندان وی بوده‌اند (جوینی، ۱۳۸۵: ۱۹۹/۱). سُبُورقُیتنی در طول چهار سال نیابت سلطنت توراکینا، با اجرای قوانین یاسا و تبعیت از فرامین حکومتی این حقیقت را که وی و خانواده‌اش علاوه بر تحکیم حکومت مغول می‌توانند آینده روشنی برای جامعه مغولی ایجاد کنند را ترسیم کرد. به طوری که پس از تشکیل قوریلتای سلطنتی گُیوک‌خان، زمانی که خان جدید به جرایم مالی و اداری شاهزادگان و بازخواست آنان رسیدگی می‌کرد، در میان این جماعت نادم، تنها سُبُورقُیتنی و فرزندانش همچنان سربلند ماندند و مورد تقدیر خان قرار گرفتند. به گفته همدانی اولوس تولوی، به دلیل رعایت یاسا برای تمام مغولان الگویی مثال‌زدنی شدند و «دل بیشتر لشکریان و امرای مغول را با خود یکی» کردند (همدانی، ۱: ۵۶۹/۱۳۷۳).

۵-۴. جلب پایگاه‌های حمایتی

سُبُورقُیتنی در تمام مدتی که به اداره قلمرو تحت فرمانش مشغول بود، تلاش کرد در مناسبات سیاسی با اردوهای مغول جانب احتیاط و اعتدال را رعایت کند تا با جانبداری از یک اولوس، گروه دیگر را از خود دور نسازد. سُبُورقُیتنی با استفاده از شرایط سیاسی حاکم بر قلمرو مغول و سیاست نفوذ نرم، شرایط را آن‌گونه که خود می‌خواست تغییر داد. ناتوانی جانشینان منگوقاآن در اداره قلمرو مغول، بزرگان مغول را متقاعد کرد که در تصمیم و تعهدی که قبلاً به اُگتای قآن داده بودند تا سلطنت را در اولوس وی نگاه دارند، تجدیدنظر کنند. آنها با توجه به عملکرد نه چندان مثبت این خاندان در طول

حکمرانی توراکینا، گُیوک و اغول قیماش، به جبهه مخالفان حکمرانی موروثی اولوس اُوگتای قاآن پیوستند.

جایگاه باتو خان اولوس جوچی، در میان قبایل مغول و مخالفت وی با اولوس اُوگتای سبب شد که سُبُورقُیتنی تمام تلاش خود را برای تعمیق و تحکیم مناسبات خود با اولوس جوچی به کار گیرد. هم چنان که ذکر شد باتو، غایب بزرگ مجمع بزرگ سلطنتی مغول برای انتخاب گِیوک بود. او بیماری را بهانه کرد و نمایندگان خود را به مجمع فرستاد. پس از به تخت نشستن گِیوک، خان جدید که سخت گیر و بدگمان بود، اوتچگین نوپان عموی خود را اعدام کرد. این اقدام وی محبوبیت عمومی گِیوک خان را کاهش داد. گِیوک که می ترسید که مخالف بزرگش باتو، در صدد کنار گذاشتن وی از قدرت باشد، برای آزمایش وفاداری باتو، از او خواست که در ملک شخصی کیوک به دیدار وی بیاید. باتو که جرات مخالفت با دعوت خان بزرگ را نداشت، دعوت را پذیرفت (ساندرز، ۱۳۶۱: ۱۰۰). گُیوک با این بهانه که آب و هوای یورت قدیم پدرم با بیماری او سازگارتر است، با لشکری به قصد باتو به سوی «ایمیل فوجین» حرکت کرد. سُبُورقُیتنی که از نیت گُیوک آگاه بود برای جلب اعتماد و حمایت بیشتر باتو، از فرصت بدست آمده استفاده کرد. وی که بارها حسن نیت خود را نسبت به اولوس جوچی نشان داده بود بنا بر قاعده دوستی نزدیکی که در عهد چنگیز، میان جوچی و تولوی برقرار بود، به باتو هشدار داد که آمدن گُیوک به آن سو از خدعه خالی نیست. باتو با این پیغام جانب احتیاط را رعایت و لشکریان خود را آماده رسیدن گُیوک کرد (نطنزی، ۱۳۸۳: ۶۱). هرچند این لشکرکشی بواسطه مرگ گُیوک ۶۲۷ق / ۱۲۴۸م در نزدیکی سمرقند، به وقوع نپیوست و باتو نجات یافت، اما سُبُورقُیتنی با دادن این اطلاعات به باتو، نشان داد که در صورت بروز نزاع میان دو اولوس، جانب باتو را خواهد گرفت، بدین ترتیب حمایت کامل وی را بدست آورد.

سُبُورقُیتنی در جای دیگر نیز ارادت خود را به باتو نشان داد. پس از مرگ گُیوک خان، هنگامی که فرزندان و خانواده وی تصمیم داشتند شیرامون را جانشین گُیوک نمایند، ابتدا از باتو که بزرگ همه مغولان بود خواستند به آنجا برود، اما باتو که همچنان مخالف تداوم سلطنت در خاندان اُوگتای بود، این بار نیز درد پای خود را بهانه قرار داد و درخواست کرد آنها به نزد وی بیایند. اولوس اُوگتای این پیشنهاد را نپذیرفتند و با این بهانه که «تختگاه چنگیز اُونان و کُلُوران است، ما چگونه به دشت قبچاق رویم»، از رفتن امتناع کردند (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۴۰۰).

توجه به امور دینی و تساهل و تسامح مذهبی سُیورقیتنی در مواجهه با پیروان سایر ادیان، بر نفوذ و محبوبیت وی در جامعه مغولی افزود. ابن عبری ضمن آن که از وی به نیکی یاد می‌کند، می‌نویسد این مومنه مسیحی برای انجام مراسم مذهبی به اماکن مذهبی می‌رفت و نزد راهبان مسیحی اذکار و ادعیه را فرا می‌گرفت (عبری، ۱۳۶۴: ۳۲۳). رفتار وی با بزرگان سایر مذاهب الگویی بود که توسط فرزندان نیز رعایت شد (Reese, 2019: Paragraph 7). در دوره حکمرانی منگوقاآن، سُیورقیتنی برای ساخت مدرسه‌ای در بخارا هزار بالش نقره به شیخ‌الاسلام باخزری^۱ داد و او را به عنوان متولی این مدرسه انتخاب کرد (خواندمیر، ۳: ۱۳۸۰/۶۱). هم‌چنین دستور داد تا برای تأمین مخارج مدرسان و طالبان آن چندین ده را وقف مدرسه کنند. او تا زمان مرگش در سال ۶۴۹ ق/ ۱۲۵۱م به طور مستمر به مستمندان مسلمانان صدقه و نفقه می‌داد (همدانی، ۱۳۷۳: ۸۲۳/۲).

۶. انتقال قدرت از خاندان اُوگتای‌قاآن به خاندان تولوی

سیورقویتنی به مدت سه دهه، با تمهیدات زیرکانه حمایت گروه‌های سیاسی و اجتماعی را کسب کرد. وی با اتکا به بینش سیاسی خویش زمان را برای اقدام نهایی آماده دید. هنگامی که باتو در قوریلتهای حاضر نشد و فرزندان اُوگتای، گُیوک و جغتای نیز هیچکدام حاضر به رفتن نزد باتو نشدند، سُیورقیتنی رفتاری متفاوت اتخاذ کرد. وی چندتن از امرای خود را به همراه فرزندانش به سرپرستی پسر بزرگش منگوقاآن را برآن داشت تا به احترام باتو عازم دیدار وی شوند (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۴۰۰ و همدانی، ۱۳۷۳، ۵۶۲/۱). این اقدام هوشمندانه، عزم باتو را به قدرت رساندن منگو مصمم کرد. منگو بارها لیاقت خویش را در ماموریت‌های مختلف به اثبات رسانده بود. در لشکرکشی مغولان به ولایت قبچاق در زمان فرمانروایی اُوگتای‌قاآن، منگو به همراه گُیوک و باتو به این حدود اعزام شده بود، توانایی و شایستگی نظامی‌اش را نشان داده بود (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۴: ۱۵۶). با توجه به این شرایط، باتو برای فراهم کردن مقدمات به قدرت رساندن منگو به عنوان بهترین گزینه جانشینی پیشقدم شد. باتو، ایلچیان به مرکز حکمرانی، نزد خواتین و بازماندگان اُوگتای‌قاآن و اولوس تولوی فرستاد و تصمیم خویش را مبنی بر حکمرانی منگو، ابلاغ کرد. سپس مجلسی از شاهزادگان و امرای دو اولوس جوچی و قراهولاکو از شاهزادگان جغتای برپا کرد. وی با این استدلال که توراکینا با انتخاب گُیوک به جای شیرامون، ولیعهد انتخابی اُوگتای‌قاآن از یاسا تخلف کرده است و هم‌چنین با

^۱ سیف‌الدین باخزری، پدر برهان‌الدین، از خلفای شیخ نجم‌الدین کبری در بخارا بود و در آنجا حشمت و شوکت فراوانی داشت (جوینی، ۱۳۸۵: ۹/۳).

اشاره به لیاقت منگو به عنوان تنها فرد حائز شرایط فرمانروایی، حاضران را متقاعد کرد تا با یکدیگر بر سر خانیت منگو اتفاق نظر کنند (همدانی، ۱۳۷۳: ۸۲۵/۲ - تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۳۹۰۰/۶).

در برابر این اقدام باتو، برخی مخالفان از اولوس گُیوک و فرزندان جغتای، بوری و یسومونکا که با خروج سلطنت از اولوس اُوگتای به وی اعتراض کردند و با فرستادن نمایندگان به نزد باتو، از وی خواستند در تصمیم خویش تجدید نظر کند. آنها با استناد به این دلیل که باید به عهدی بسته‌اند وفادار بمانند، جانشینی را به طور موروثی حق فرزندان گیوک دانستند. مخالفان با عدم حضور در قوریلتهای انتخاب منگوقاآن، مانع تشکیل قوریلتهای شدند.

سُیورقیتنی که با اختلاف میان اولوس‌ها موافق نبود، ایلچسانی به نزد آنها فرستاد و از آنان خواست که «طریقه مراعات و موالات» در پیش گیرند. وی صبورانه کوشید تا «به تلافی و تکلف» از نزدیکان و عشایر دلجویی کند و از آنها دعوت کرد تا در قوریلتهای پسرش حضور یابند. این کار به مدت دو سال طول کشید اما آنان هم چنان بر درخواست خویش اصرار داشتند (همان). پس از این مدت، باتو بدون توجه به دیدگاه شاهزادگان مخالف، دستور برگزاری قوریلتهای را صادر کرد و طی پیغامی به برکه اعلام کرد که مُنکوقاآن را بر تخت بنشانند و هر آفریده‌ای از یاسا تخطی کرد را گردن بزند (همدانی، ۱۳۷۳: ۵۸۳/۱).

۷. تغییر سیاست سُیورقیتنی و سرکوب مخالفان جهت ایجاد وحدت سیاسی

سیاست مسالمت‌آمیز سُیورقیتنی بعد از تشکیل قوریلتهای و انتقال قدرت به خاندان تولوی، به تدریج متناسب با شرایط سیاسی تغییر یافت. سلطنت مُنکوقاآن در ذی الحجه ۶۴۸ق/ ۱۲۵۱م با تشکیل قوریلتهای بزرگ با فرمان و حضور باتو رسمیت یافت. همه شاهزادگان و امرا به غیر از نمایندگان اولوس اُوگتای و برخی از شاهزادگان جغتای، در شورای عالی حکومتی شرکت کردند. با وجود غیبت نمایندگان این دو اولوس مغول، مُنگو به خانی برگزیده شد. اما مخالفان همچنان حاضر به پذیرش تصمیم قوریلتهای برای تغییر اولوس سلطنتی نبودند. از این رو باتو به برادر خود برکه، دستور داد تا دومین شورای عالی را این بار در ناحیه اونان و کلوران مغولستان، که زادگاه مغول بود برپا سازد. اما معترضان سرسختانه بر تصمیم خود پایدار ماندند. آنها در ابتدا تلاش کردند تا مانع از برپایی قوریلتهای شوند اما ناموفق بودند (ساندرز، ۱۳۶۱: ۱۰۱). وارثان ناکام اولوس اُوگتای بعد از آنکه از

^۱ برکه یا «برکای» فرزند دوم جوچی، وی در سال ۶۵۲ هـ به فرمانروایی اولوس جوچی منصوب گردید.

شکست کامل سیاسی خود مطمئن شدند، تصمیم به اجرای توطئه براندازی برضد منکو گرفتند و با هدف کشتن مُنگوقاآن، با تجهیزات و مهمات جنگی به سمت قراقروم به راه افتادند. آنها ظاهراً به عنوان تعظیم و اظهار اطاعت به مقر خان جدید وارد شدند اما هدف اصلی غافلگیر کردن و کنار زدن منگوقاآن بود. خبر این توطئه قبل از رسیدن آنها به اردوی خان جدید به مُنگوقاآن رسید. با اقدامات به موقع شورش کشف و خنثی گردید و مخالفان دستگیر شدند.

در شرایطی که مخالفت علیه حکومت آشکار شده بود، استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز و چشم‌پوشی از اقدام مخالفان برای تثبیت حکومت به صلاح نبود. مُنگوقاآن در برابر مخالفان خود که حاضر به متابعت از تصمیم قوریلتای نبودند ساکت ننشست. وی به منظور تثبیت پایه‌های حکومت خویش، به حکم یاسا دستور دستگیری و محاکمه شاهزادگان و بزرگان مخالف را صادر کرد.

آنچه در این غائله قابل توجه است حضور موثر زنان اولوس اُوگتای و تولوی است که نقشی مهم در رهبری شورش و هم‌چنین در سرکوب آن ایفا کردند. سیورقوقتی از ابتدا شورش تا سرکوبی آن از پسرش حمایت کرد. وی حتی وظیفه مجازات شورشیان را نیز بر عهده گرفت. اوغول‌قیمش، یکی از سران فتنه بود. هنگامی که مُنگوقاآن، ایلچی به نزد اوغول‌قیمش فرستاد و او را به اردو احضار کرد، همسر گُیوک، مُنگوقاآن را غاصب سلطنت خواند و از آمدن اجتناب کرد. وی به خان بزرگ پیغام فرستاد که تو با گرفتن قدرت از خاندان اُوگتای‌قاآن، به عهد خویش با گُیوک‌قاآن وفادار نبودی. این پیام مُنگوقاآن را خشمگین کرد و دستور داد تا وی را دستگیری کنند (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۳۹۱۰/۶).

اغول‌قیمش همانند سایر شرکت‌کنندگان در شورش دستگیر و به اردوی سیورقیتنی فرستاده شد و در آنجا به یاسا رسید. با این تسویه‌خونین، طغیان نافرجام ماند و وحدت سیاسی نیز فراهم آمد (ناصری‌راد، ۱۳۷۹: ۱۲۵). هرچند پس از این حوادث اختلاف و منازعات خانوادگی میان اولوس چنگیز کاملاً آشکار گشت و به تدریج تشکیل قوریلتای عمومی برای انتخاب خان جدید نیز کم‌اهمیت شد. چنانکه پس از مرگ مُنگوقاآن در ۶۵۵ ق/ ۱۲۵۷ م، قوییلای که با قدرت رسیدن برادرش اریق‌بوکا موافق نبود، شخصاً قوریلتایی خصوصی تشکیل داد و در سال ۶۵۸ ق/ ۱۲۵۹ م خود را قاآن خواند (اقبال آشتیانی، ۱۶۱).

نتیجه

انتقال فرمانروایی امپراتوری مغول از خاندان اوکتای به شاخهٔ تولوی، تحول سیاسی مهمی بود که در این فرایند پیچیده زنان سهم مهمی ایفا کردند. فقدان قانون واحد برای تعیین جانشین، زمینه را برای ورود زنان حکمرانان مغول در عرصه سیاست را فراهم کرد. آنان با اعمال رفتارهای سیاسی متفاوت تلاش کردند مسیر نفوذ در کنون قدرت را هموار سازند. توراکیناخاتون و موکاخاتون همسران اوگتای قآن، سُیورقیتنی مادر مُنکوقآن، اغول قیمیش همسر گُیوک، زنانی بودند که با توجه به برخورداری از منابع قدرت یکسان یعنی مقام و جایگاه خود و وابستگی به خاندان حکومتی، دستیابی به حکمرانی بر قلمرو مغول خود را حق خود می‌دانستند. آنها با درک صحیح شرایط سیاسی و استفاده از ابزارهای قدرت، ضمن آرام نگه داشتن وضعیت و ایجاد ثبات سیاسی، بر رقبای خویش پیروز شدند. هر چند زنان در رقابت با رجال سیاسی، از هرگونه راهکاری که به نفع منجر می‌شد، امتناع کردند، اما بروز دعاوی و تکاپوهای سیاسی بزرگان مغول در بحران جانشینی سبب گردید، آنان برای حفظ قدرت به استفاده از ضمانت‌های اجرایی منفی مانند مجازات و ابزارهای خشونت‌آمیز روی آوردند و بدین شکل چالش‌های درونی امپراتوری مغول آشکار شد. این شرایط زمینه را برای حضور زنی مقتدر و توانمند مانند سُیورقیتنی فراهم کرد.

خاندان تولوی که در سایهٔ تدبیر و هوشمندی سُیورقیتنی موقعیت خود را مستحکم کرده بودند، به گونه‌ای آرام وارد کارزار سیاسی شدند. سُیورقیتنی که به دنبال کسب قدرت بود با استفاده از شیوه‌هایی مانند، تطمیع و پاداش‌دهی، نمایش سیاسی (تبلیغات)، پای‌بندی به قانون، احترام به روسای سایر اولوس‌ها و حفظ مناسبات با آنها، ضمن آنکه مانع از بروز ستیز بر سر جانشینی شد، شرایط را برای تغییر فرمانروایی مغول فراهم ساخت. وی با تغییر ساختارهای ذهنی رقیبان، آنان را با خود همسو کرد و روند انتقال قدرت را که از مدت‌ها قبل آغاز شده بود تسریع بخشید. در نهایت با جلب حمایت باتو بزرگ خاندان مغول، قدرت را از شاخه اوگتای قآن به خاندان تولوی منتقل کرد که این رخداد نقطه عطفی در تاریخ مغول است.

کتابنامه

- اشبولر، برتولد (۱۳۸۶). **تاریخ مغول**. ترجمه محمود آفتاب. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۴). **تاریخ مغول**. تهران: امیرکبیر.
- بناکتی، ابو سلیمان داود بن ابی الفضل محمد (۱۳۴۸). **روضه اولی الالباب فی معرفه التواریخ و الانساب**. مصحح جعفر شعار. تهران: انجمن آثار ملی ایران.
- تنوی، قاضی احمد و آصف خان قزوینی (۱۳۸۲). **تاریخ الفی**. مصحح غلام رضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جوینی، عطاملک (۱۳۸۵). **تاریخ جهانگشای جوینی**. تهران: انتشارات دستان.
- چائویی شه، یوان (۱۳۸۳). **تاریخ سری مغولان**. ترجمه: شیرین بیانی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین (۱۳۸۰). **تاریخ حبیب السیر**. ج ۳. تهران: خیام.
- ساندرز، ج (۱۳۶۱). **تاریخ فتوحات مغول**. ترجمه ابوالقاسم حالت. تهران: امیرکبیر.
- شبانکاره‌ای، محمدبن علی بن محمد (۱۳۸۱). **مجمع الانساب**. مصحح میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.
- عبری، ابوالفرج غریغوریوس بن هارون (۱۳۶۴). **مختصرالدول**. ترجمه محمدعلی تاجپور، حشمت الله ریاضی. تهران: اطلاعات.
- ناصری راد، مصطفی (۱۳۷۹). «تحوالات جانشینی چنگیز و نقش ان در مناسبات خارجی ایلخانان ایران». **تاریخ روابط خارجی**، شماره ۴.
- نطنزی، معین الدین (۱۳۸۳). **منتخب التواریخ معینی**. مصحح پروین استخری. تهران: اساطیر.
- همدانی، رشید الدین فضل الله (۱۳۷۳). **جامع التواریخ**. مصحح: محمد روشن، مصطفی موسوی، تهران: انتشارات البرز.
- وصاف الحضرة، عبدالله بن فضل الله (۱۳۳۸). **تاریخ و صاف الحضرة در احوال سلاطین مغول**. تهران: کتابخانه ابن سینا: کتابخانه جعفری تبریزی.
- یزدی، شرف الدین علی (۱۳۸۷). **ظفرنامه**. مصحح میرمحمدصادق و عبدالحسین نوایی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

Bruno, De Nicola (2017) *Women in Mongol Iran: The Khatuns*. Edinburgh University Press.

Weatherford, Jack (2005) <https://www.theglobalist.com/the-women-who-ruled-the-mongol-empire/>. june 20.

Historyonthenet (n d) "Mongol Women and their Social Roles". <https://www.historyonthenet.com/mongol-women-in-society>. Retrieved 2019-05-28.

Reese, Lyn. Sorghaghtani Beki Mother of Great Khans (n d). <http://www.womeninworldhistory.com/heroine>

The role of Mongol court women in transferring of power to Toluie clan

Zahra afarinesh khaki, reza shabani, abdohossain kalantari, gholamhossain zargari nezhad

Abstract

After Chanquiz's death in 624 AH/1227AD, his successors remained loyal to their father's will and under Oqtai's subordination preserved their unity, but after Oqtai's death in 638 lunar year (1240 AD), this political unity was ended. Gradually the temptation of achieving power provoked Chanquiz's successors to enter the arena of competition. Afterwards the political events proceeded in a way that little by little power was evicted from Oquai Qan s clan and Manqu Qan , Toloie's son, achieved the position of thaneship. Investigating the role of women and the rate of their impression in this power removal is the main question of this paper. This research, using descriptive and analytical sources, examines the role of women and their impact on the transition of power, which is the main question of this article. The findings of this study is the representative of this fact that women 's capacity and potentiality in utilizing intellectual diplomatic layout of Siurqoqtini, Toloie's wife and the recent Monqu Qan's mother , bore an important hand in the transmission of power.

Keywords: Mongul, Woman, power, government, Oktay Qaan, Tolui.